

بررسی تطبیقی داستان «نفرین زمین» آل احمد و «دهقانان» بالزاک براساس نقد جامعه‌شناختی لوکاج

فرزانه سادات هاشمی^{۱*}، فرانک اشرفی^۲، فریبا اشرفی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۲. استادیار زبان فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۳. استادیار زبان فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۶

دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

Comparative Study of "Nefrin-e-Zamin" by Al-e-Ahmad and "Les Paysans" by Balzac Based on Lukács's Sociological Criticism

Farzaneh Sadat Hashemi^{*1}, Faranak Ashrafi², Fariba Ashrafi³

1. PhD Candidate of French Language and Literature, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran

2. Assistant Professor of French Language, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

3. Assistant Professor of French Language, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Received: 2019/07/11

Accepted: 2020/09/06

Abstract

Jalal Al-e-Ahmad and Honoré de Balzac are two important and renowned authors in Persian and French literature who portrayed the society of their day and the important social issues of that time in two works by the "Nefrin-e-Zamin" and the "Peasants". In this paper, the structure of these two works and their social themes are examined from a sociological point of view and based on Lukács's theories. The main hypothesis in this article is based on the principle that to understand literature one must be aware of the social currents of which literature is a part. Literature is the product of economic and social trends. With social criticism the viewpoint of the audience expands. By examining these two works with Lukács's perspective and the comparative study method, it was found that the conditions governing the time of these two authors were somewhat similar in the creation of their work. Both have chosen their heroes from among the weakest strata of society. Both try to convey the facts to the reader by depicting the facts.

Keywords: Al-e-Ahmad, Balzac, Lukács, Farmers, Fetishism, Sociological criticism.

چکیده

جلال آل احمد و انوره دو بالزاک دو نویسنده مهم و نام‌دار در ادبیات فارسی و فرانسه هستند که جامعه روزگار خود و مسائل مهم اجتماعی آن دوران را در دو اثر نفرین‌زمین و دهقانان به تصویر کشیده‌اند. در این مقاله ساختار این دو اثر و مضمون اجتماعی آنها از منظر نقد جامعه‌شناختی و براساس تئوری‌های لوکاج بررسی شد. فرضیه اصلی در این مقاله متکی بر این اصل است که برای شناخت ادبیات باید به جریان‌های اجتماعی که ادبیات جزئی از آن است آگاه بود. ادبیات حاصل جریان‌های اقتصادی و اجتماعی است. با نقد اجتماعی دیدگاه مخاطبین گسترش می‌یابد. در بررسی این دو اثر با دیدگاه لوکاج و روش مطالعه تطبیقی، مشخص شد شرایط حاکم بر زمان این دو نویسنده در خلق اثرشان تا حدودی شبیه به هم بوده است. هر دو نویسنده قهرمان خود را از میان ضعیف‌ترین قشر جامعه انتخاب کرده‌اند. هر دو تلاش می‌کنند با به تصویر کشیدن واقعیت‌ها قضاوت را برعهده خواننده بگذارند.

کلیدواژه‌ها: آل احمد، بالزاک، لوکاج، دهقانان، نفرین زمین، نقد جامعه‌شناختی.

*Corresponding Author: Farzaneh Sadat Hashemi

Email: Farzanehashemi@gmail.com

* نویسنده مسئول: فرزانه سادات هاشمی

مقدمه

زبان و ادبیات جلوه‌گاه اندیشه، آرمان، فرهنگ، تجارب و روحیات جامعه است. انسان‌ها در گذر زمان از زبان برای انتقال پیام‌ها، عواطف و اندیشه‌های خویش بهره‌جسته‌اند و از ادبیات که زبان برتر است به‌عنوان ابزاری در انتقال بهتر و مؤثرتر اندیشه خود استفاده کرده‌اند. ادبیات هر جامعه‌ای انعکاسی از همان جامعه است. مطالعه تطبیقی و مبتنی بر یک نظریه می‌تواند تصویری علمی‌تر از دغدغه‌های نویسندگان ارائه دهد. «مطالعه ادبیات در فراسوی مرزهای یک کشور خاص، و مطالعه روابط میان ادبیات و سایر قلمروهای دانش و معرفت» (رماک^۱، ۱۳۹۱: ۵۴) موضوع ادبیات تطبیقی است. ادبیات تطبیقی به زبان ساده عبارت است از مطالعه و بررسی مقایسه‌ای آثار که برخاسته از زمینه‌های فرهنگی گوناگون هستند تا بتوان رشته‌های اتصال دو ملت را یافت و ریشه‌های جریان‌های فکری و تأثیرگذار بر دو یا چند فرهنگ را درک کرد.

در واقع، «ادبیات تطبیقی ابزاری برای وانگری ادبیات جهان و دریچه‌ای است برای دیدن افکار، امروزه، تأثیرپذیری متقابل شاعران و نویسندگان ملل مختلف از همدیگر و سنجش و مقایسه ادبیات دو یا چند ملت با یکدیگر با عنوان ادبیات تطبیقی مطرح می‌شود» (صالح‌یک، ۱۳۸۷: ۹).

از آنجا که نقد ابزاری است برای سوق دادن ادبیات به سمت خلاقیت، می‌توان گفت جایگاه ضروری و مهمی در میان جوامع دارد. نقد، در اصطلاح ادب، تشخیص محاسن و معایب سخن و نشان دادن بد و خوب اثر ادبی است. می‌توان گفت نقد ادبی که گاهی خود نیز نوعی آفرینش هنری محسوب می‌شود، یک اثر ادبی را همه‌جانبه و کامل بررسی می‌کند. نقد ادبی بحث و بررسی، ارزیابی و تفسیر ادبیات است.

نقد جامعه‌شناختی ادبیات یکی از شیوه‌های نسبتاً نوین در مطالعات ادبی است (باربری^۲، ۱۳۷۸: ۶۰). در این شیوه به بررسی ساختار و محتوای اثر ادبی و ارتباط آن با ساختار و تحولات جامعه‌ای که اثر مولود آن است پرداخته می‌شود. آنچه در نقد جامعه‌شناختی ادبیات از اهمیت بیشتری برخوردار است، انعکاس تصویر جامعه در جهان تخیلی و هنری اثر ادبی و شکل‌های مختلف آن است (عسگری حسنکلو، ۱۳۸۷: ۴۳). در این شیوه نقد، «منتقد از زمان و مکانی که نویسنده

در آن زیسته آگاهی به دست می‌آورد، تا بتواند اثر را به منزله واکنش روحیه هنرمند نسبت به جامعه و برداشت‌های او از محیط مورد مطالعه قرار دهد» (میرصادقی و میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۶۷). همچنین این نقد به نشان دادن ارتباط ادبیات با جامعه و تأثیر متقابل ادبیات و جامعه بر یکدیگر می‌پردازد. در واقع اهمیت این نقد در تفسیر و تبیین مشخصات جامعه‌شناختی یک دوره است. «چنین نقدی قادر است به خواننده کمک کند که چرا پاره‌ای خطاها از مشخصات آثار ادبی عصر معینی است و می‌تواند ماهیت چنین خطاهایی را تبیین کند، اگرچه پی‌بردن به خطا بودن آنها فقط با تکیه بر معیارهای ادبی صورت می‌گیرد» (دیچز^۳، ۱۳۶۹: ۵۵۲).

از آنجا که جلال آل‌احمد (۱۳۴۸-۱۳۰۲) و انوره دو بالزاک^۴ (۱۸۵۰-۱۷۹۹) در ادبیات فارسی و فرانسه از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و نیز به دلیل وجوه اشتراکاتی که در مضمون و سبک ادبی آثار این دو نویسنده بزرگ وجود دارد و همچنین حس و نگاه این دو نویسنده نسبت به جامعه روزگار خویش و مسئله دهقانان و کارگران، باعث شده‌است تا به بررسی تطبیقی دو رمان نفرین‌زمین آل‌احمد و دهقانان^۵ بالزاک بپردازیم.

نظر به اینکه اوضاع اجتماعی ایران و فرانسه در زمان زندگی آل‌احمد و بالزاک چندان مساعد نبود و فقر و نبود امکانات و عدم آگاهی این دو کشور را احاطه کرده بود و با توجه به رویکرد مشترکشان نسبت به موضوع دهقانان، این دو اثر را از منظر نقد جامعه‌شناختی و براساس تئوری‌های لوکاج^۶ مورد بررسی خواهیم داد. روش به کار رفته در این مقاله روش مطالعه تطبیقی موردی است. موردها به طور کلی مورد بحث و پژوهش قرار می‌گیرند، و کلیت‌ها با هم مقایسه و وجوه شباهت‌ها و تفاوت‌ها در آنها مشخص می‌شود.

بنابراین، در مقاله حاضر، به این سؤال پاسخ داده می‌شود که موقعیت طبقه زحمتکش کارگر و دهقان به‌عنوان یک طبقه اجتماعی، در رمان‌های نفرین‌زمین و دهقانان، چگونه بازنمایی شده است؟

هر اثر ادبی می‌تواند همچون آینه‌ای باشد که اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه نویسنده آن اثر را منعکس می‌کند؛ به عبارتی می‌توان گفت «با خواندن آن اثر ادبی، مخاطب می‌تواند به اوضاع جامعه در آن زمان پی

3. Daiches
4. Honoré de Balzac
5. Les Paysans
6. Georges Lukács

1. Ramak
2. Barbary

می‌گذارد و هر دو رمان تصویری از این اتفاقات را منعکس می‌کنند. مقایسه دو جامعه ایران و الجزایر مبنای کار این پژوهش بوده است. نویسنده توانسته است در این مقایسه تأثیر اصلاحات ارضی بر زندگی روستاییان در دو جامعه را به خوبی نشان دهد.

حیدری و قرایی (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل نقش رئالیسم در جامعه ادبی ایران و فرانسه؛ مطالعه تطبیقی رمان‌های دهقانان بالزاک و نفرین‌زمین جلال آل‌احمد»، به ویژگی‌های مکتب رئالیسم و اهمیت رمان واقع‌گرا در جامعه ایران و تأثیرپذیری آن از رئالیسم فرانسه می‌پردازند.

مبانی نظری

لوکاچ و مفهوم شیء‌وارگی (بُت‌وارگی)^۱

گئورگ لوکاچ منتقد و نظریه‌پرداز بزرگ نقد مارکسیستی با تأکید بر فرم و شکل اثر ادبی در مقابل محتوای آن، مارکسیسم عامیانه را که بیش از هر چیز به محتوای اثر توجه می‌کرد، مورد انتقاد قرار داد و از سوی دیگر با تأکید بر اینکه هنر باید از زندگی برخاسته و محتوای انسانی داشته باشد، فرمالیسم را رد کرد. از جملات کلیدی اوست که: «هنر از زندگی برمی‌خیزد و خلاقانه آن را بازآفرینی می‌کند» (ولی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۲۲). لوکاچ درباره غالب آثار نویسندگان، فیلسوفان و مبارزان اجتماعی سه قرن اخیر اروپا از جمله بالزاک نظر می‌دهد.

لوکاچ سبک و سیاق رئالیستی را که بالزاک پایه‌گذار آن بود تحسین می‌کند و همچنین دقت‌نظر و تیزبینی او را در شناخت و به تصویر درآوردن تیپ‌های اجتماعی زمانه‌اش می‌ستاید و ارزش و اعتبار سبک او را در بینش عمیق اجتماعی‌اش می‌داند. لوکاچ در اثر معروفش *تاریخ و آگاهی طبقاتی*^۲ بر جنبه ذهنی نظریه مارکس تأکید می‌کند. علاقه لوکاچ به مسائل اجتماعی و تاریخی زندگی انسان رنجبر باعث می‌شود که اهمیت خاصی به رمان تاریخی بدهد. او می‌گوید فقط رمان تاریخی است که می‌تواند توتالیتر بودن تاریخ را نشان دهد. به نظر او با آثار بالزاک و تولستوی، رمان تاریخی به مرحله رمان واقع‌گرای اجتماعی می‌رسد. او معتقد است که معرفت به شرایط تاریخی بستگی دارد نه فردی؛ یعنی جوامع مختلف در مراحل مختلف تاریخ، اشکال مختلفی

ببرد. «نظری‌منظم، ۱۳۸۹: ۲۲۱) از آنجایی که اثر هنری هنگامی ارزش پیدا می‌کند که بتواند واقعیت موجود اجتماعی زمان خود را تولید کند، به نقد جامعه‌شناختی از دیدگاه لوکاچ می‌پردازیم. بدین ترتیب، انجام این پژوهش تطبیقی به ما این امکان را خواهد داد تا به پژوهشگران در درک بهتر این دو اثر کمک کنیم و آنها را با یکی از موضوعات اجتماعی که آل‌احمد و بالزاک بدان توجه داشته‌اند، یعنی موضوع دهقانان و شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دو کشور ایران و فرانسه در دوران این دو نویسنده آشنا کنیم.

پیشینه پژوهش

درباره جلال آل‌احمد و انوره دو بالزاک آثار زیادی نوشته شده است، اما برای پیشینه تحقیق می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره کرد.

دادور (۱۳۸۳) در مقاله «بررسی و تحلیل رمان نفرین‌زمین آل‌احمد»، به بررسی این اثر ادبی پرداخته است. وی خاطر نشان می‌کند این نخستین اثر ادبی است که پیوندهای بنیادی جامعه روستایی آن زمان را پیش روی خواننده می‌نهد. آل‌احمد به خوبی جامعه روستایی ایران، شیوه زندگی، پیوندهای روستایی این جامعه، خرافات و بسیاری از جنبه‌های دیگر آن را می‌شناسد. از این دیدگاه و نیز از بسیاری دیدگاه‌های دیگر، نفرین‌زمین داستانی است سودمند برای پژوهش‌های جامعه‌شناختی.

سلیمی کوچی (۱۳۸۹) در رساله دکتری خود به بررسی جامعه‌شناختی رمان‌های *جای خالی سلوچ* اثر محمود دولت‌آبادی و *دهقانان* اثر بالزاک می‌پردازد و شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو اثر را در بیان مسائل جامعه باز می‌نماید. تنوع و تعدد شاخصه‌های مثبت زبانی و ادبی دولت‌آبادی و بالزاک در این دو اثر با مضامینی از جمله فقر و گرسنگی، مناسبات زناشویی در شرایط نابسامان اجتماعی، مصائب پایان‌ناپذیر مردم ستم‌دیده و رنج‌کشیده روستایی، اصلاحات ارضی و تقابل سنت و تجدد، همراه شده و در مجموع ستون فقرات هنر نویسندگی دولت‌آبادی و بالزاک را تشکیل داده است.

قادری رمازی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود به بررسی «رئالیسم سوسیالیستی در رمان نفرین‌زمین جلال آل‌احمد و رمان *الزلزال* طاهر وطّار (پژوهش تطبیقی در شکل و محتوا)» می‌پردازد. در این تحقیق نویسنده اشاره می‌کند که اصلاحات ارضی بر هر دو نویسنده تأثیر عظیمی

1. Le fétichisme de la marchandise

2. *Histoire et conscience de classe*

دیدگاه، کالاهای ساخته دست بشر به بُت‌واره‌هایی تبدیل شده‌اند که حیات مستقل از انسان دارند.

روش پژوهش

یکی از روش‌های تحقیق در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، که در این مقاله به کار رفته است، روش مطالعه تطبیقی یا به عبارت دیگر روش مقایسه‌ای است. با این هدف که با توصیف و تبیین اشتراک‌ها و اغلب تفاوت‌ها، بتوان آن پدیده‌ها را شناسایی کرد و به تفسیرها و احتمالاً تعمیم‌های تازه دست یافت. «مطالعات تطبیقی عموماً سه فرایند توصیف، مقایسه و نتیجه‌گیری را دربردارند» (رها دوست، ۱۳۸۳: ۷).

بدین ترتیب در مقاله حاضر با نگاهی به زندگی بالزاک و آل‌احمد و کنارهم نهادن و توصیف دو رمان *دهقانان* و نفرین‌زمین از طریق مقایسه ویژگی‌های آنها و در نظر گرفتن ادبیات و شرایط تاریخی، سیاسی و اجتماعی دو کشور ایران و فرانسه، به منظور دریافت وجوه شباهت یا اختلاف بین دو اثر می‌پردازیم تا با توجه به نقد جامعه‌شناختی لوکاج، در دو رمان، شاهد وضعیت دهقانان و تبدیل شدن آنها به اشیاء و از دست دادن صفات انسانی‌شان باشیم.

بحث و بررسی

نگاهی به زندگی انوره دو بالزاک و رمان *دهقانان*

انوره دو بالزاک، نویسنده نامدار فرانسوی قرن نوزدهم را پیشوای مکتب رئالیسم اجتماعی در ادبیات می‌دانند، که سهمی بزرگ در ادبیات معاصر جهان دارد. آثار بالزاک آینه‌ای از جامعه فرانسه روزگار او است. او افراد هر طبقه اجتماعی را، از اشراف فرهیخته گرفته تا دهقانان عامی، در *کمدی انسانی*^۲ خود جای می‌دهد و جنبه‌های گوناگون شخصیتی آنان را در معرض نمایش می‌گذارد. کلیت کارهای بالزاک نشان‌دهنده مجموعه‌ای به هم پیوسته از انسان‌های له‌شده در بند جامعه است. او معتقد است تنها منافع شخصی و سودجویی است که محرک اصلی همه اعمال و رفتار او به‌شمار می‌آید. در آثار بالزاک، درون‌مایه‌ها و تم‌های ثابتی

از معرفت را پدید می‌آورند. در دستگاه فکری او مفهوم «کلیت» اهمیت دارد؛ این که جامعه انسانی و زندگی یک کل منسجم را تشکیل می‌دهند.

اما خدمت عمده لوکاج به نظریه مارکسیستی در دو مفهوم شی‌وارگی یا بُت‌وارگی و آگاهی طبقاتی است. اصطلاح «شی‌وارگی» به معنای شیوه‌ای است که طی آن صفات انسانی اشیاء تلقی می‌شوند و حیات غیرانسانی و رازآمیز خود را در پیش می‌گیرند. این موضوع موجب برانگیخته شدن نقد اخلاقی از سرمایه‌داری می‌شود؛ زیرا این تلقی وجود دارد که نظام سرمایه‌داری مردم را به اشیایی تبدیل می‌کند که می‌توان آنها را در معرض خرید و فروش قرار داد. بنابراین، لوکاج کارش را با مفهوم «بُت‌شدگی کالا» که مارکس آن را به‌عنوان مسئله اصلی ساختاری جامعه سرمایه‌داری مشخص ساخته بود، آغاز می‌کند (صمیمی، ۱۳۸۵: ۲۲۶). یک کالا در اصل نوعی رابطه میان مردمی است که آن را به صورت یک شیء باور می‌کنند و در نتیجه صورتی عینی به خود می‌گیرد. بنابراین، بُت‌انگاری کالاها فراگردی است که طی آن کُنشگران در جامعه سرمایه‌داری برای کالاها و بازارشان وجود عینی و مستقلی قائل می‌شوند. پس مفهوم مارکس از بُت‌انگاری کالاها محدود به نهاد اقتصادی است و پایه مفهوم شی‌وارگی یا بُت‌وارگی لوکاج است. لوکاج مفهوم «شی‌وارگی» را به سراسر جامعه، دولت، قوانین و بخش اقتصادی، یعنی کلیه بخش‌های نظام سرمایه‌داری، گسترش می‌دهد. مردم باور کرده‌اند که ساختارهای اجتماعی حیاتی برای خود دارند و در نتیجه این ساختارها خصلتی عینی یافته‌اند. ریشه اصلی پروژه شی‌وارگی را باید ابتدا در آراء مارکس جستجو کرد. او اعتقاد داشت در دنیای سرمایه‌داری، آنچه که قوانین بازار خوانده می‌شود، باعث شده این توهم بین اقتصاددان‌های متعلق به طبقه بورژوا ایجاد شود که ارزش کالاها ذاتاً به خود کالاها تعلق دارد و از همین رو کالاهای سرمایه‌داری به جادوهایی تبدیل شوند که گویی خود دارای این قابلیت هستند که ارزش مستقل از روابط اجتماعی و اقتصادی داشته باشند. در واقع مارکس این نقد را در پاسخ به اقتصاددانان نوشت و آنها را متهم کرد که به اصطلاح قواعد خود ساخته بازار را چنان مهم و ازلی و ابدی و طبیعی جلوه داده‌اند که گویی این خود کالاها هستند که ارزش ذاتی پیدا کرده‌اند. بنابراین، طبق این

۲. *La Comédie humaine* کمدی انسانی عنوانی است که بالزاک به مجموعه رمان‌های دنباله‌دار و داستان‌های منتشرشده خود در حد فاصل سال‌های ۱۸۳۰ تا ۱۸۵۶ میلادی داده است و در آن اوضاع جامعه فرانسه و شهر پاریس و همچنین صحنه‌هایی از زندگی سیاسی و انقلابی را به تصویر کشیده است. این مجموعه شامل ۹۶ اثر مختلف است.

بدین ترتیب، رمان *دهقانان* دربارهٔ تحول اجتماعی انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و همچنین دربارهٔ رقابت‌ها و چشم و هم‌چشمی‌های طبقه‌ای اجتماعی است که مالکان زمین را تشکیل می‌دهند. او شخصیت‌های بسیاری را در این رمان معرفی می‌کند، از جمله مونکورنه^۱، مونکورنه، مرد اشرافی زمیندار، وابستگی دارد که از فرمانداری منطقه تا مقامات بالای قضایی و اداری پاریس را در برمی‌گیرد. او از حمایت ارتش برخوردار است و از نظر عقیدتی، کلیسا، در شخصیت پدر بروست^۲، و روزنامه‌های سلطنت طلب، در شخصیت نویسنده‌ای به نام امیل بلونده^۳، نیز از او حمایت می‌کنند. هریک از چهره‌ها در قلعهٔ جنگی خود انواع سلاح‌های اقتصادی، سیاسی، عقیدتی و سایر جنگ‌افزارها را برای دفاع از منافع خود به کار می‌گیرند. بالزاک همچنین در این اثر ادبی فردی رباخوار را به تصویر می‌کشد که اموال دهقانان را غارت می‌کند. این رباخوار فردی خسیس، طمع‌کار و خوش‌گذران است که به منظور داشتن رفاه کامل و یک زندگی خوب فقط به فریب‌دادن مردم و پول انداختن می‌اندیشد. او هربار زیباترین دختر یکی از دهقانان را برای خوش‌گذرانی انتخاب می‌کند، در حالی که به او قول می‌دهد که پس از مرگ همسرش با او ازدواج کند. این رباخوار روستایی، ریگو^۴، شیرهٔ حیات روستاییان فقیرتر را با دادن قرضی اندک می‌مکد و آنان را تا آخر عمر وابستهٔ خود می‌کند. او این کار را با یاری متحد خود، گوپرتن^۵، تاجر چوب شهرک نشین، که قبلاً مباشر مونکورنه در ملک اربابی بوده است، انجام می‌دهد. بالزاک ریگو را این چنین توصیف می‌کند: «... هنوز خسیسی دیگر بر سکوی آملی تئاتر مطالعهٔ آداب و رسوم باقی مانده است؛ و آن ریگو است، خسیس خودخواه ما ... این راهب، با خست راهبانه‌اش جوهرهٔ خوب زیستن و دنیوی شدن را با قاپیدن پول مردم تبیین می‌کند» (بالزاک، ۱۳۹۳: ۳۴۴). یا در جای دیگری می‌نویسد: «ریگو مثل لویی چهاردهم می‌خورد و می‌نوشید... مخارج زندگی اش بیش از مخارج زندگی یک شهوت‌پرست است» (همان: ۳۵۵).

تخیل درخشان بالزاک در اطراف این دو شخصیت، ریگو و گوپرتن، فسادها، مفت‌خوری‌ها و قوم‌و خویش‌بازی‌های

دیده می‌شود که با استفاده از آنها داستان‌ها و شخصیت‌هایش را پرورش می‌دهد و به زیر و بم جامعه‌اش می‌پردازد؛ از قبیل پول، حضور جوانی بیشتر روستایی در محیط بزرگ‌تر و متفاوت، زنان زیبا و مهمانی‌های اشرافی.

کتاب «*دهقانان*»، مانند دیگر آثار بالزاک، جامعهٔ دهقانی فرانسه را در قرن نوزدهم به تصویر کشیده و داستان حول مواجههٔ جامعهٔ دهقانی و طبقهٔ بورژوا است. در زمان بالزاک، فرانسه از جنبهٔ سیاسی و اجتماعی در گذر از فئودالیسم یا اشرافیت زمین‌داری بزرگ به سرمایه‌داری بورژوازی است. او برای تبیین عواقب این تحول رمان *دهقانان* را می‌نویسد (لوکاچ، ۱۳۸۱: ۲۷-۳۹). بالزاک خود این رمان را مهم‌ترین اثرش می‌داند و دربارهٔ آن می‌گوید: «... در مدت هشت سال این مهم‌ترین کتابی را که می‌خواستم بنویسم بیش از صدبار کنار گذاشتم و باز در دست گرفتم» (بالزاک، ۱۳۹۳: ۸).

قصد بالزاک در این رمان توصیف تراژدی زمین‌داری اشرافی و در حال نابودی بوده است. این رمان پایه و اساس سلسله آثاری در نظر گرفته شده که در آنها بالزاک فروپاشی فرهنگ اشرافی را در پی پیشرفت‌های سرمایه‌داری توصیف می‌کند. *دهقانان* در واقع پایان این سلسله است، زیرا علت‌های اقتصادی نابودی اشرافیت را نشان می‌دهد. بالزاک در اینجا ما را به میان عرصهٔ نبرد اقتصادی می‌برد؛ به آوردگاه زمین‌داری بزرگ اشرافی و دهقانان. آرمان او بازگشتی بی‌پرده به قرون وسطای فئودالی نیست، بلکه برعکس، خواستار آن است که سمت‌وسوی تکامل سرمایه‌داری فرانسه را، به‌ویژه در عرصهٔ کشاورزی، به شیوهٔ انگلیسی (توسعهٔ سرمایه‌داری) هدایت کند. در واقع، آرمان اجتماعی بالزاک همین آشتی طبقاتی میان زمین‌داری بزرگ و سرمایه‌داری است. او اشرافیت فرانسه را سرزنش می‌کند که در گذشته (در ۱۷۸۹) به‌جای اصلاحات هوشمندانه که بتواند سلطنت را نجات دهد، توطئه‌های حقیری علیه انقلابی بزرگ تدارک دید و حتی پس از گرفتن درس‌های تلخی از انقلاب، نتوانست خود را به شکل محافظه‌کاران انگلیسی متحول سازد، حکومت خودفرمانی را به سیاق الگوی انگلیسی برقرار دارد و رهبری گروه‌های دهقانی را به عهده گیرد. او می‌گوید: «برای آنکه خلق به قیام مسلحانه اقدام کند، همان طور که کارگران پاریس کردند، باید معتقد باشد که منافعش در خطر است» (لوکاچ، ۱۳۹۵: ۲۷). درحقیقت، بالزاک با روشنی بی‌رحمانه‌ای تعارض طبقاتی حاصل از سرمایه‌داری را در فرانسه می‌دید.

1. Montcornet
2. Brossette
3. Émile Blondet
4. Rigou
5. Gaubertin

از اوضاع و شرایط اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند. در واقع، او یک داستان‌نویس صرف نیست؛ بلکه یک نظریه‌پرداز اجتماعی نیز هست. او در دوره ادبیات متعهد زندگی می‌کرده و هنر نویسندگی‌اش هنری متعهد بوده، تا آنجا که این موضوع در کتاب‌هایش به‌وضوح آشکار است. مهم‌ترین ویژگی هنر متعهد تلقی ابزار، وسیله و رسانه‌بودن هنر است؛ یعنی آنچه اهمیت دارد پیامی است که از طریق این رسانه منتقل می‌شود.

رمان نفرین‌زمین شروع بوروکراسی در ایران و مسئلهٔ ارباب و رعیتی را نشان می‌دهد. آل‌احمد با نوشتن این اثر ادبی در نظر دارد به مخاطبانش نشان دهد که چگونه اربابان از رعیت‌ها سوءاستفاده کرده و اموال آنها را چپاول می‌کنند. نفرین‌زمین قصه‌ای است که از زبان معلمی به روستا رفته، نقل می‌شود؛ روستایی به نام حسن‌آباد. او خسته از تمدن مصرفی شهر و روابط بورژوازی حاکم بر آن، به دنبال گوشه‌ای آرام و دنج به این روستا پناه آورده است تا شاید بتواند یک زندگی ساده و به دور از هرگونه نوگرایی و تکنولوژی در آنجا داشته باشد. او ماجرای آنچه را در مدت نه ماه اقامتش در این ده دیده، شنیده و آزموده است به صورت یادداشت‌های روزانه درمی‌آورد و این یادداشت‌ها هنگامی که وی به روستای دیگری منتقل می‌شود، پایان می‌یابد. طرح کلی داستان روایت‌گونه و نقلی و شیوهٔ آن واقع‌گرایانه با صحنه‌سازی‌های مؤثر و گاه تصویری پراکنده است. با اینکه زبان داستان تاخدی قدیمی است، اما الگوی داستان‌های جدید اروپایی را دارد. داستان در یک مدرسهٔ روستایی روی می‌دهد که در گوشه‌ای از قبرستان قدیمی آن روستا ساخته شده است. این روستا شرایط خوبی ندارد، نه مزرعه‌ای در آن وجود دارد و نه آسیاب و تراکتور و امکاناتی. در این رمان چندین شخصیت وجود دارند که یکی از آنها بی‌بی است. او دو پسر دارد و پس از مرگ همسرش یعنی ارباب واقعی، روستا را اداره می‌کند. در واقع، او ارباب است و همهٔ اهالی روستا به او احترام گذاشته و از او حرف‌شنوی دارند. اما در پایان او زنی مسن و فلج است که دیگر هیچ کس احترامی برایش قائل نیست. علاوه بر این، او همسر موقت یکی دیگر از شخصیت‌های داستان یعنی مباشر است. درویش از دیگر شخصیت‌های داستان است که مورد قبول همهٔ اهالی است و می‌تواند فضایی آرام در این ده ایجاد کند. از آنجایی که هرکدام از اهالی سهمی از کار خود را به او می‌دهند، می‌توان گفت که او فقیر و محتاج نیست. شخصیت اصلی یا قهرمان

روستایی را گردآوری و دسته‌بندی می‌کند. آنها همهٔ دنیای طبقات پایین اداری و امور مالی محلی را در دست‌های خود دارند. با ازدواج‌های حيله‌گرانهٔ دخترها و پسرهایشان، با کمک‌های مالی به‌موقع به دارودسته‌شان، شبکه‌ای از وابستگان خود را پدید آورده‌اند که نه‌تنها آنها را قادر می‌کند هرچه می‌خواهند از مقامات محلی بگیرند، بلکه تمام بازار ناحیه را در دست بچرخانند. به‌عنوان مثال، بالزاک در بخشی از رمان می‌نویسد: «این آدم شیرب بدون هیچ واهمه‌ای به طور مستمر به شکار قاچاق پرداخت. دوستی زنش با گوربتن مباشر، با نگرهبانان مخصوص و مقامات رسمی روستا، شرایط مساعدی برایش فراهم آورد و به وی اطمینان دادند که مجازاتی در کار نخواهد بود» (بالزاک، ۱۳۹۳: ۹۵). یا در جای دیگری می‌گوید: «... وانگهی روابط نزدیک این مأموران وظیفه‌شناس با تونسار^۱ و زنش، باعث شده بود که این جرم مشهود را نادیده بگیرند» (بالزاک، ۱۳۹۳: ۹۷).

در نتیجه می‌توان گفت که بالزاک با مهارت و ظرافت بسیار کلاهبرداری و شیادی، تقلب، سوداگری و دسیسه‌هایی که منجر به نفرت دهقانان بیچاره می‌شود را توصیف می‌کند. به نظر او مبارزه در سه بخش روی می‌دهد: مالکان بزرگ، دهقانان و کاپیتالیست‌ها که می‌توان گفت این عوامل علت اساسی نوشتن این اثر ادبی هستند. او در تئوری‌های خود به دفاع از زمینداری بزرگ می‌پردازد و در نبرد این سه جبهه، بی‌هیچ قید و شرطی در کنار اشراف قرار می‌گیرد؛ اما به حکم پایبندی به منطق رئالیسم به وصف این تراژدی می‌پردازد که دهقانان در دام سرمایه‌داران افتاده و با آن کنار آمده‌اند. درحقیقت، او چنان به واقع‌گرایی پایبند و وفادار است که زوال اشرافیت زمین‌دار و رواج روزافزون سرمایه‌داری را که برخلاف تئوری‌ها و آمال اوست، بدون هیچ ملاحظه‌ای نشان می‌دهد. او در این رمان به‌هیچ‌وجه قصد انتقاد از ایدئولوژی بورژوازی و تأثیرات آن بر مردم فرودست را نداشته است؛ بلکه می‌خواهد نشان دهد که دهقانان موروان^۲، خطری برای نظم اجتماعی شهر به حساب می‌آیند.

نگاهی به زندگی جلال آل‌احمد و رمان نفرین‌زمین

جلال آل‌احمد از مهم‌ترین روشنفکران و نویسندگان ایرانی است و تأثیری گسترده بر جریان روشنفکری دوران خود دارد. تمامی داستان‌های آل‌احمد حاصل نگرش اجتماعی او و انتقاد

1. Tonsard
2. Morvan

که سنت‌هایی همچون قناعت و استقلال فرهنگی و اقتصادی ایران با واردشدن صنعت عاریتی پامال خواهند شد. او در این اثر ادبی به‌عنوان منتقد با نگاهی عمیق جامعه خود را می‌نگرد و خود را در خدمت جامعه و متعهد به آن می‌داند. او در *نفرین زمین* در قالب شخصیت معلم به‌عنوان روشنفکر و نماینده قشر فرهیخته شهری وارد روستای حسن‌آباد می‌شود و از نزدیک اضطراب‌ها و اختلاف‌هایی را که با ورود تکنولوژی و مدرنیته و به‌ویژه تراکتور بین مردم روستا به وجود آمده، مشاهده کرده و تأثیر این تحولات و برخورد مردم را طی داستان بیان می‌کند. این اختلاف‌ها به آتش کشیده شدن روستا، کشته‌شدن عده‌ای، و مهاجرت روستاییان به شهر برای یافتن کار و آوارگی آنها را در پی دارد. در واقع، ابزار مدرن، تکنولوژی و تراکتور که اصولاً باید عامل پیشرفت باشند، موجب تیره‌وتارشدن رابطه روستاییان، بیکاری و سپس مهاجرت آنها گردیده و آنها به امید یافتن کار مناسب و زندگی بهتر به شهرها رفته و مجبور به زندگی مصرفی و فلاکت‌بار در حاشیه شهرها می‌شوند. بنابراین، در اینجا متوجه می‌شویم که جامعه در حال تحول است؛ یعنی جامعه سنتی روبه نابودی و جامعه مدرن در حال شکل‌گیری است. درحقیقت، با این تحول اجتماعی، آرامش و آسودگی از جامعه روستایی رخت می‌بندد و جای آن را اضطراب و تشویش می‌گیرد. «همه چیز آرام بود و هرگز نمی‌شد گمان ببری که زیر این آرامش روستایی، اضطرابی هم نهفته است» (آل احمد، ۱۳۸۷: ۲۶).

مقایسه دو رمان *نفرین زمین* و *دهقانان*

دو اثر ادبی *نفرین زمین* و *دهقانان* که ما در این مقاله به بررسی آنها پرداختیم، دو رمان از تأثیرگذارترین و پرمخاطب‌ترین نویسندگان مکتب رئالیسم اجتماعی ایران و فرانسه، جلال آل احمد و انوره دو بالزاک، هستند. این مکتب را عکس‌العمل در برابر مکتب رمانتیسم دانسته‌اند و از اصول آن واقع‌گرایی، جامعه‌گرایی و توجه به حوزه رمان و پیشگام آن بالزاک است. بنابراین، از شباهت‌های این دو نویسنده می‌توان به داشتن سبک رئالیسم اشاره کرد. این سبک یعنی سبک گفتن و نوشتن متکی بر نمودهای واقعی و اجتماعی. عصر رئالیسم یک عصر انتقادی است. آل احمد و بالزاک موضوع خود را جامعه معاصر و مسائل آن قرار می‌دهند؛ یعنی چنین جامعه‌ای وجود دارد و اثر ادبی را وادار می‌کند که به بیان و تحلیل آن بپردازد. رئالیسم مکتبی عینی یا برونی است

این داستان آموزگار دبستان یا همان راوی داستان است که نماینده قشر فرهیخته و باسواد جامعه است. او هرآنچه که از دستش برمی‌آید برای اهالی انجام می‌دهد؛ اما هیچ‌کس به او احترام نمی‌گذارد. همان‌طور که آل احمد می‌نویسد «عیب کار این است که در این منظومه من زیادی‌ام... من یک جسم خارجی‌ام که چشم ده را کور می‌کند» (آل احمد، ۱۳۸۷: ۵۱). آموزگار متوجه می‌شود مباشر قصد دارد تکنولوژی و آسیاب موتوری را که یک وسیله مدرن است به‌جای آسیاب آبی که متعلق به مدیر مدرسه است وارد روستا کند. بنابراین، در طول داستان ما شاهد جدال و درگیری همیشگی مدیر مدرسه و مباشر هستیم. بی‌بی و مباشر برای مقابله کردن با مدیر، هرکدام ابزارها و وسایل جدیدی را وارد روستا می‌کنند، هرچند مدیر در ظاهر مخالف ورود این وسایل به روستا است، ولی برای رقابت با آنها، تراکتور را وارد روستا می‌کند. بعد از آن نیز یک مرغداری در روستا توسط یک یهودی و به دستور بی‌بی ساخته می‌شود و کم‌کم به همین ترتیب وسیله‌های مدرن یکی پس از دیگری وارد روستا می‌شوند. ازمنظر نقد جامعه‌شناختی، آموزگار به‌عنوان یک قهرمان^۱ نمی‌تواند شرایط حاکم بر این روستا را تحمل کند و خود را با این اوضاع و ورود مدرنیته و تکنولوژی به روستا وفق دهد، بنابراین در حاشیه جامعه قرار می‌گیرد. او پایبند به هویت خویش و سنت‌ها است و ایده‌هایی دارد که می‌خواهد از آنها دفاع کند و به دنبال ارزش‌های واقعی و تغییر شرایط است، اما موفق به تغییر شرایط نمی‌شود؛ از این رو آنجا را ترک می‌کند و محکوم به قهرمان بودن می‌شود. در پایان داستان بی‌بی فوت می‌کند و مرگ او در واقع نابودی و از بین رفتن طبقه‌ای اجتماعی یعنی طبقه ارباب‌ها است. به عبارتی، می‌توان گفت نقطه شروع تقسیم اراضی همزمان با مرگ بی‌بی است. اما از آنجا که دهقانان وسیله‌ای ندارند تا روی زمین‌ها کار کنند، دوباره قدرت دست پسر بی‌بی می‌افتد و روستاییان مجبور به ترک روستا شده و به شهرهای بزرگ می‌روند و حتی روستاها به آتش کشیده می‌شوند.

آل احمد، نویسنده رئالیست معاصر، با نوشتن رمان *نفرین زمین* در دهه چهل، دگرگونی ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و همچنین آشننگی اخلاقی و معنوی مردم جامعه را در قالب جامعه روستایی در حال گذر از سنت به مدرنیته به نمایش می‌گذارد. در این رمان آل احمد می‌کوشد تا نشان دهد

روش‌های زیر حاصل می‌شود: تملک دارایی‌های ملی، سوداگری و سفته‌بازی بر سر کاهش ارزش پول، بهره‌جویی رباخوارانه از کمبود کالاها و گرسنگی و معاملات کمابیش تقلبی با ارتش. در دهقانان شخصیت‌های اصلی، ریگو و گوپرتن، ثروت سرشار خود را با بهره‌گیری از چنین امکاناتی در طی انقلاب و دوره ناپلئون به دست آورده‌اند.

یکی دیگر از نقاط مشترک بین دو رمان، وجود اختلاف‌هایی بین روستاییان و مالکان زمین است. همان‌طور که آل احمد در طول داستان نشان می‌دهد، مالک بزرگ ده یعنی بی‌بی و مدیر مدرسه باعث تعارض‌های بیشتری در روستا می‌شوند و هریک بر ضد دیگری اقداماتی انجام می‌دهد. همچنین، پس از ورود تراکتور به روستا و احداث مرعداری توسط فردی بیگانه که با جامعه روستایی آشنایی ندارد و به نیازهای روستا و روستاییان ناآگاه است، درگیری‌هایی بین روستاییان به وجود می‌آید. بالزاک نیز در دهقانان نشان می‌دهد که صاحبان و مالکان بزرگ بورژوا چگونه با ربا و به‌زور و حقه زمین‌های دهقانان را تصاحب کرده‌اند. به عقیده او، نبود اتحاد بین طبقه اشراف و توده دهقانان می‌تواند باعث انقلاب در پاریس شود. اما نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این موضوع است که در ایران نفت نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، در صورتی که قبل از آن زندگی ساده بود؛ اما در فرانسه، درگیری‌ها بر سر آب است و دهقانان به‌خاطر آن با یکدیگر می‌جنگند.

براساس نقد جامعه‌شناختی، انسان‌ها در نفرین‌زمین و دهقانان، با طبیعت انسانی بیگانه شده‌اند و روابط بین آنها شکل رابطه بین اشیاء را به خود گرفته است. بدین معنا که آنها روح لطیف و انسانی خود را از دست داده، مانند ماشین و شیء شده‌اند و باید بیش از پیش کار کنند. در نتیجه، انسان موجودی بی‌ارزش مانند اشیاء شده است؛ این پدیده را براساس تئوری‌های مارکس «ازخودبیگانگی» می‌گویند. از آنجایی که برای داشتن یک زندگی راحت و آرام وجود پول ضروری است و هنگامی که پول وجود نداشته باشد، همه چیز برای دهقانان ممنوع می‌شود، آنها مجبور به تحمل سختی‌های بسیاری می‌شوند. بدین ترتیب، به عقیده لوکاج پدیده‌ای اجتماعی به نام «شیء‌وارگی» رخ می‌دهد و رابطه میان انسان‌ها به رابطه میان اشیاء تبدیل می‌شود و طی آن صفات انسانی اشیاء تلقی می‌شوند و حیات غیرانسانی خود را در پیش می‌گیرند. در واقع، «شیء‌وارگی» یکی از پیامدهای جوامع سرمایه‌داری است. در جامعه‌ای که دچار این پدیده

و نویسنده رئالیست هنگام آفریدن اثر بیشتر تماشاگر است و افکار و احساسات خود را در جریان داستان ظاهر نمی‌سازد. رئالیسم می‌خواهد همه واقعیت را کشف کند، اما در خواننده‌اش یک احساس را تولید کند که واقعیت است که ظاهر می‌شود. این مکتب در ایران بر اثر تحولات اجتماعی و فرهنگی خاصی به وجود آمده است که عبارتند از انقلاب مشروطیت و تفکرات خاص مشروطه‌خواهان، اصلاحات ارضی، روی کار آمدن و به وجود آمدن طبقه بورژوا و زوال حکومت خوانین، فساد سیاسی و اداری، ناامنی‌های اجتماعی، برخورد جامعه سنتی ایران با اروپا، اعتصاب کارگران، ملی شدن صنعت نفت و غیره. در نتیجه، بالزاک و آل احمد بدون هیچ تعصبی به مسائل و مشکلات زمان خود می‌پردازند و ساختارهای عمیق جامعه زمان خود را به خوبی نشان می‌دهند.

هنگامی که ایران و فرانسه فئودال را در این دو اثر ادبی بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که در هر دو کشور، در دوران نگاشته شدن این دو رمان، با وجود زیرساخت‌های متفاوت، سیستم ارباب و رعیتی وجود داشته است؛ ارباب‌هایی که از رعیت‌ها سوءاستفاده کرده و زمین‌های آنها را غارت می‌کنند. از نظر تاریخی، در هر دو رمان، وجود انقلابی نهفته است. در نفرین‌زمین بحث درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و مردم» است که در سال ۱۳۴۱ به وقوع پیوست. این «انقلاب» یک سلسله تغییرات اقتصادی و اجتماعی شامل اصول نوزده‌گانه است که در دوره سلطنت محمدرضا شاه پهلوی و با یاری نخست‌وزیران وقت به تحقق پیوست و نتایج بسیاری داشت، از جمله اصلاحات ارضی که در سه مرحله انجام شد، سهمیم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها، مبارزه با معاملات سوداگرانه زمین‌ها و اموال غیرمنقول و غیره. در رمان دهقانان نیز انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه وجود دارد. انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹-۱۷۹۹) زائیده شورش توده مردم در برابر استبداد، نابرابری‌ها، عشرت‌ها و فساد گسترده اشراف و بورژوازی نظام ارباب و رعیت بود که با شعار «آزادی، برابری، برادری» آغاز شد. براساس نظریات بالزاک، انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه است که همه این بلاها، یعنی تقسیم اراضی بزرگ و رشد سرمایه را به دنبال داشته، سرمایه‌ای که بالزاک آن را بیشتر سرمایه ربایی می‌داند و این امر در آن دوران برای فرانسه توجیه‌پذیر است. در نظر او، یکی از مسائل محوری در تاریخ جامعه فرانسه عبارت است از پیدایش ثروت‌های بورژوایی در دل طوفان انقلاب که به

است. در واقع، ازدواج موقت به‌عنوان یک رسم و سنت در جامعه روستایی ایران است. به‌عنوان مثال، آل احمد می‌نویسد: «بینم مگر مادرِ اکبر چه عیبی دارد؟ صد تومن هم که مهرش کنید، راضی است» (آل احمد، ۱۳۸۷: ۹۹). در دهقانان نیز ریگو هر بار دختر یکی از دهقانان را انتخاب می‌کند تا با او ارتباط داشته باشد. بالزاک روابط ریگو را برای خواننده این چنین به تصویر می‌کشد: «... دل خود را خوش کرده بود که به نوبت با این دختران جوان عمرش را به پایان خواهد برد. این لویی پانزدهم تنها به آیتِ زیبا اکتفا نمی‌کرد. این رهن‌کننده ستمگر، در زمین‌های خریداری‌شده دهقانان... حرم‌سرای خویش را می‌ساخت...» (بالزاک، ۱۳۹۳: ۳۵۵-۳۵۶).

تفاوتی که در این دو اثر ادبی مشاهده می‌کنیم این است که در نفرین زمین روستاییان به شهرها مهاجرت می‌کنند، مثلاً «در دکان شاطرعیاس که اهل ده بود و سه سال پیش رفته بود تهران» (آل احمد، ۱۳۸۷: ۱۸۱). اما در دهقانان بابا فورشون^۱ در پاسخ به بلونده می‌گوید: «شما به من می‌گویید که بروم به دنبال بخت؟... کجا می‌توانم بروم؟ برای رفتن از بخش، باید جواز عبور داشته باشم، که برایم چهل شاهی آب می‌خورد... برای رفتن به دهکده‌های مجاور به همان تعدادِ اِکو لازم است...» (بالزاک، ۱۳۹۳: ۱۴۹).

قهرمانان اصلی دهقانان، ریگو و گوپرتن هستند که هر دو ثروت فراوان خود را از طریق بهره‌برداری از فرصت‌هایی به دست آورده‌اند که انقلاب در دسترس‌شان قرار داده است. در صورتی که در نفرین زمین معلم مدرسه به‌عنوان قهرمان از قشری فرهیخته و پایبند به حفظ سنت‌ها و هویت خویش است.

در پایان نفرین زمین، بی‌بی فوت می‌کند و مرگ او در واقع نابودی و از بین رفتن طبقه‌ای اجتماعی، یعنی طبقه ارباب‌ها است. به عبارتی، می‌توان گفت نقطه شروع تقسیم اراضی فوت بی‌بی است. اما از آنجا که دهقانان وسیله‌ای ندارند تا روی زمین‌ها کار کنند دوباره قدرت دست پسر بی‌بی می‌افتد و روستاییان مجبور به ترک روستا شده و به شهرهای بزرگ می‌روند؛ و حتی روستاها به آتش کشیده می‌شوند. می‌توان گفت به‌آتش کشیدن روستا درست مانند دهقانان بالزاک است. در پایان رمان دهقانان، ما شاهد پیدایش کاپیتالیسم، زوال اشرافیت و تراژدی کشورهای تحت سلطه

می‌شود، هرچیزی به صورت کالایی قابل خرید و فروش درمی‌آید و نیروی کارگر تبدیل به کالایی می‌شود که می‌توان آن را خرید. همان‌طور که بالزاک به این مطلب اشاره دارد و می‌گوید «وقتی جسم‌شان در زیر فشار کار خرد می‌شود اندیشه کردار نیک از آنان سلب می‌گردد، خصوصاً در نزد اشخاص نادان. خلاصه، همان‌گونه که کشیش بروست می‌گفت "فقر وضع موجود دهقانان را توجیه می‌کند"» (بالزاک، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۱۰۲).

در بررسی تطبیقی این دو اثر ادبی، درمی‌یابیم که پول همیشه در دست کاپیتالیست‌ها و بورژواها هست، اما کارگران به‌عنوان یک طبقه اجتماعی که مارکس از آنها سخن گفته، افرادی هستند که هیچ‌گاه پول در اختیار ندارند و مجبور هستند تا روی زمین‌ها برای صاحبان آن کار کنند. آنها در روستا همواره زیر یوغ ظلم مالکان بزرگ بوده و وظیفه‌ای جز اطاعت و پذیرفتن بی‌چون‌وچرا ندارند. در اصل، آنها مانند بردگانی هستند که روی زمین‌هایی که متعلق به خودشان نیست، زحمت کشیده و کار می‌کنند. بالزاک به این مسئله که پول و امکانات همیشه در اختیار ارباب است، اشاره دارد و می‌نویسد: «... ما متعلق به همان دهی هستیم که بودیم، و ارباب همیشه آنجا است، و من کار طاقت‌فرسا را ارباب می‌نامم، همه دارایی‌مان کج‌بیل ما است که از دست نداده‌ایم. بیشتر دسترنج‌مان را خواه ارباب، خواه دولت به‌عنوان مالیات از ما می‌گیرد...» (بالزاک، ۱۳۹۳: ۱۴۹). درحقیقت، با وجود تبلیغات و مکانیزه‌شدن کشاورزی، دهقانان افراد ساده، ناآگاه و بی‌سوادی هستند که وسیله، آگاهی و امکانات برای کار روی زمین‌ها ندارند و نمی‌دانند که چه کاری انجام می‌دهند. آنها بنده بی‌قید و شرط مالکان شده و با ورود تکنولوژی و ماشین‌ها، به‌ویژه تراکتور، ماشین‌ها هم بر مالکان حاکم می‌شوند. تکنولوژی و صنعت اگرچه به ظاهر عواملی برای پیشرفت جامعه به حساب می‌آیند، اما روح انسان را نابود و او را تبدیل به فردی بی‌هویت می‌کنند.

در این اثر هیچ‌گونه برداشت احساساتی، ملودراماتیک و تخیلی به چشم نمی‌خورد. نگاه نویسنده به جنبه‌های خشن و نرمش‌ناپذیر جهان روستایی، سختی زندگی اینان در پیوند با ابزار کار، محیط زندگی و پیوندهای رویاروی خشک و غیراحساساتی قرار می‌گیرد و از این جهان ایستا تصویرهای زنده و جاندار به دست می‌دهد.

در داستان ایرانی نفرین زمین، مردان می‌توانند روابطی با سایر زنان داشته باشند؛ مانند بی‌بی که همسر موقتِ مباشر

هستیم. همچنین، بالزاک در نهایت نشان می‌دهد که قصر قدیمی به وسیله دهقانان از بین رفته، پارک ناپدید شده و تنها یک ویلای کوچک قدیمی زیبایی، شکوه و جلال سابق خود را حفظ کرده است. در واقع، در هر دو رمان به‌جای سازندگی، کارکردن و بهره‌بردن از فرصت‌ها، تخریب و ویران کردن روستا به چشم می‌خورد.

نتیجه‌گیری

برای شناخت ادبیات باید به جریان‌های اجتماعی که ادبیات جزئی از آن است آگاه بود. درحقیقت، ادبیات یک جریان روبنایی است که حاصل جریان‌های زیربنایی اقتصادی-اجتماعی است. با استفاده از نقد جامعه‌شناختی و بازسازی دوران تاریخی-اجتماعی اثر، خواننده آثار ادبی با تاریخ و حوادث آنها آشنا می‌شود. این نقد دید مخاطبان آثار هنری را گسترش می‌دهد؛ به طوری که خواننده آثار ادبی صرفاً به ظاهر آثار بسنده نمی‌کند و به پس‌زمینه طبقاتی و اجتماعی خالق اثر نیز توجه می‌کند.

براساس نقد جامعه‌شناختی لوکاج، در نفرین‌زمین و دهقانان، شاهد وضعیت دهقانان و تبدیل شدن آنها به اشیاء و از دست دادن صفات انسانی‌شان هستیم. بنابراین، به عقیده لوکاج دنیای اجتماعی نیز مانند دنیای طبیعی همچون دنیایی از اشیاء پدیدار می‌شود، جامعه به یک طبیعت ثانوی تبدیل می‌گردد، به نظر می‌رسد که به اندازه قوانین و پدیده‌های طبیعت مستقل از کنش انسانی است و، در نتیجه، قادر به تغییر جامعه نیز نیستیم. بدین ترتیب، فرآیندی که در شیء‌شدگی شخصیت‌های این دو رمان عمل می‌کند، باعث شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی خارجی می‌شود که قهرمانان را به عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی تبدیل می‌کند. مناسبات اجتماعی این دو اثر دستخوش تغییر و تحول شده‌اند و باعث شکل‌گیری پدیده‌های گشته‌اند که آن را تاریخ می‌نامیم. شیء‌شدگی این فرآیند را از دید ما پنهان می‌کند؛

منابع

- آل احمد، جلال (۱۳۸۷). نفرین‌زمین. تهران: انتشارات مجید. چاپ دوم.
- باربری، پیر (۱۳۷۸). نقد جامعه‌شناسی. مترجم: جمال آل احمد. نشریه هنر، شماره ۴۱، ۶۰-۷۰.
- بالزاک، انوره دو (۱۳۹۳). دهقانان. مترجم: هژبر سنجرخانی. تهران: انتشارات نگاه.

به‌جای آنکه هرچیز را در حال حرکت ببینیم، فقط اشیایی ایستا می‌بینیم که در رابطه‌ای ثابت با یکدیگر قرار دارند.

سبک جلال آل احمد و انوره دو بالزاک، سبکی رئالیستی است که صرفاً واقعیت‌ها را بدون تعصب و عقاید شخصی و همچنین بدون هرگونه تلاش برای خوشایند جلوه‌دادن آنها منعکس می‌کنند. بالزاک در کارهایش به محکوم کردن کسی یا جامعه‌ای نمی‌پردازد، بلکه با نگاهی موشکافانه و خلاقانه، آنچه را که در اطرافش می‌بیند، به تصویر می‌کشد و اگر تصویرش بدمنظر است، به‌عزت زشت و ناپسند بودن خود واقعیت است. و همچنین نکته‌ای که در مورد آل احمد جالب‌توجه است، بیان صریح او بوده که با توجه به خفقان سیاسی زمان خود، اوضاع نامناسب جامعه و بی‌عدالتی‌ها را در اثرش بیان کرده است. درحقیقت، هر دو شخصیت ادبی دغدغه اجتماعی مشترک داشته و در رمان‌های خود به موضوع «دهقانان» پرداخته‌اند. این دو چهره ادبی ایران و فرانسه، اگرچه در یک دوره تاریخی زندگی نمی‌کردند، اما شرایط حاکم بر جامعه در زمان این دو نویسنده تا حدودی شبیه به هم بوده است. در عصر این دو اندیشمند می‌توان به مسئله ارباب و رعیتی، و نبود آگاهی و امکانات اشاره کرد. بنابراین، در جامعه روستایی آن دوران، دهقانان هیچ وسیله‌ای برای کار روی زمین‌ها نداشتند و پول در اختیار ارباب‌ها و مالکان بزرگ بوده است. آل احمد و بالزاک فرد مشخص و غیرعادی و یا عجیبی را که با اشخاص معمولی فرق داشته باشد به‌عنوان قهرمان داستان خود انتخاب نمی‌کنند؛ بلکه آنها قهرمان خود را از میان مردم و از هر محیطی که بخواهند برمی‌گزینند و این فرد در عین حال نماینده هموعان خویش و وابسته به اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند. این فرد ممکن است نمونه برجسته و مؤثر یک عده از مردم باشد، ولی فردی مشخص و غیرعادی نیست. همچنین آنها صحنه‌ها را بدین قصد تشریح می‌کنند که خواننده با شناختن آن صحنه‌ها بیشتر با قهرمانان و وضع روحی آنها آشنا شود.

- حیدری، مهدی و شهلا قرایی (۱۳۹۸). تحلیل نقش رئالیسم در جامعه ادبی ایران و فرانسه؛ مطالعه تطبیقی رمان‌های دهقانان بالزاک و نفرین‌زمین جلال آل احمد. نشریه دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲، ۱-۱۹.
- دادور، المیرا (۱۳۸۳). بررسی و تحلیل رمان نفرین‌زمین آل احمد. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

قادری رمازی، ابراهیم (۱۳۹۷). *رتالیسم سوسیالیستی در رمان نفرین‌زمین جلال آل‌احمد و رمان الزلزال طاهر و طار (پژوهش تطبیقی در شکل و محتوا)*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی.

لوکاچ، گئورک (۱۳۸۱). *نظریه رمان*. مترجم: حسن مرتضوی. تهران: نشر قصه. چاپ دوم.

لوکاچ، گئورک (۱۳۹۵). *پژوهشی در رتالیسم اروپایی*. مترجم: اکبر افسری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ چهارم.

میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی (۱۳۷۷). *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*. تهران: نشر کتاب مهناز.

نظری منظم، هادی (۱۳۸۹). *ادبیات تطبیقی: تعریف و زمینه‌های پژوهش. نشریه ادبیات تطبیقی (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)*، شماره ۲، دوره ۱، ۲۲۱-۲۳۷.

ولی‌پور، شهناز (۱۳۸۶). *نگاهی به آرای جورج لوکاچ در زمینه نقد مارکسیستی. نشریه دانشگاه علامه طباطبائی*، دوره ۱۱، شماره ۳۱، ۱۲۲-۱۳۶.

تبریز، شماره ۱۹۰، ۴۷-۵۶.

دیچز، دیوید (۱۳۶۹). *شیوه‌های نقد ادبی*. مترجم: محمدتقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی. تهران: انتشارات علمی.

رماک، هنری (۱۳۹۱). *تعریف و عملکرد ادبیات تطبیقی*. مترجم: فرزانه علوی‌زاده. *ویژه‌نامه فرهنگستان (ادبیات تطبیقی)*، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، ۵۴-۷۳.

رهادوست، فاطمه (بهار) (۱۳۸۳). *علم‌گرایی و پوزیتیویسم در کتابداری و اطلاع‌رسانی. جهان کتاب*، شماره ۵، ۶-۷.

سلیمی‌کوچی، ابراهیم (۱۳۸۹). *بررسی جامعه‌شناختی رمان‌های جای خالی سلوچ اثر محمود دولت‌آبادی و دهقانان اثر بالزاک*. پایان‌نامه دکتری تخصصی، دانشگاه تهران، دانشکده زبان‌های خارجی.

صالح‌بک، مجید (۱۳۸۷). *ادبیات تطبیقی در ایران: پیدایش و چالش‌ها*. *متن پژوهی ادبی*، دوره ۱۲، شماره ۳۸، ۹-۲۸.

صمیمی، نیلوفر (۱۳۸۵). *شیء‌شدگی از لوکاچ تا هابرماس*. *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۱، ۲۲۳-۲۳۴.

عسگری حسنکلو، عسگر (۱۳۸۷). *سیر نظریه‌های نقد جامعه‌شناختی ادبیات. نشریه ادب پژوهی*، دوره ۲، شماره ۴، ۴۳-۶۴.